

قاتل کارگر نمایشگاه بین‌المللی قصاصی شد

متهم ۱۴ساله قتل یکی از همکارانش را در درگیری در نمایشگاه بین‌المللی به قتل رسانده بود، چند روز قبل در زندان رجایی‌شهر به دار مجازات آویخته شد.

به گزارش جوان، روز ۱۴ دی‌بهشت سال ۸۵ مأموران پلیس تهران قتل پسر جوانی را به باز پرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران اعلام کردند. مأموران گفتند جسد پسر جوانی به نام گل محمدان داخل چاله آسانسور ساختمان نمایشگاه بین‌المللی کشف کرده‌اند که حکایت از این دارد وی به قتل رسیده است. با اعلام این خبر تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل تحقیقات خود را آغاز کردند که در یافتن مقتول ۴۰ساله که از کارگران نمایشگاه بین‌المللی است ابتدا با ضربات جسم سختی به سرش به قتل رسیده و بعد جسد او به داخل چاله آسانسور انداخته شده است.

بررسی‌های مأموران نشان داد پس از حادثه یکی از همکاران مقتول به نام فرج‌اح که همشهریان او هم است به طرز مرموزی ناپدید شده‌است. بنابراین مأموران، فرج را به عنوان مظنون به قتل تحت تعقیب قرار دادند تا اینکه پس از گذشت یکسال از حادثه وی را در شهرستان کوه‌دشت دستگیر و به تهران منتقل کردند.

متهم در بازجویی‌ها به قتل دوستش اعتراف کرد و گفت: من و مقتول هر دو در نمایشگاه بین‌المللی کارگری می‌کردیم اما من از کارگری خسته شده‌بودم که تصمیم گرفتم قچاقی فروشی کنم اما پولی برای شروع کار نداشتم و به همین خاطر به سراغ گل محمد رفتم و از او خواستم به من پول قرض بدهد.

چند باری در خواستش را تکرار کرد تا اینکه روز حادثه وقتی جواب هر دو رد عصبانی شد و یا میله آهنی که از قبل آماده کرده‌بودم، چند ضربه به سرش زدم و بعد جسدش را داخل چاله آسانسور انداختم.

متهم به آن تحقیقات تکمیلی در شعبه ۷۴ دادگاه کیفری به قصاص محکوم شد و در نهایت متهم پس از تأیید حکم قصاصش در دیوان عالی کشور چند روز قبل در زندان رجایی‌شهر کرج قصاص شد.



زورگیران موتورسوار دستگیر شدند

دو موتورسوار که از شهرستان وندان تهرانی با تهدید چاقو زورگیری می‌کردند، دستگیر شدند.

به گزارش جوان، دو‌هزار و دویست و سه سال گذشته مردی به کلاتری ۱۵ رازی رفت و از دو موتورسوار به اتهام زورگیری شکایت کرد. شکایتی که با خودروی شخصی‌ام در حال تردد در میدان رازی خیابان ریاط کریم بود که ناگهان دو سرنشین موتورسیکلتی مرا راه سد کردند و پس از ضرب و جرح و تهدید چاقو گردنبدن طلاهم را سرت کردند و از محل گریختند.

با طرح این شکایت مأموران پلیس با شکایت‌های مشابه دیگری هم‌روبه‌رو شدند که در تحقیقات فنی موفق شدند یکی از سارقان را به نام ناصر که از متهمان سابقه دار بود، شناسایی کنند. بدین ترتیب متهم تحت تعقیب مأموران پلیس قرار گرفت و در نهایت هتمم خردنامه به دام افتاد. وی در بازجویی‌ها به سرقت‌های سرریالی با همدستی یکی از دوستانش به نام صادق اعتراف کرد و مأموران پلیس هم خیلی زود همدست وی را دستگیر کردند. سرهنگ عزیز خانی، رئیس پایگاه هشتم پلیس آگاهی درباره این خبر گفت: هر دو متهم تاکنون به پنج‌فقره سرقت به شیوه زورگیری اعتراف کرده و ارزش ریالی این سرقت‌ها بالغ بر ۷۰۰ میلیون تومان است. تحقیقات از دو متهم برای شناسایی شاکیان احتمالی در پایگاه هشتم پلیس آگاهی ادامه دارد.

سرقت‌های سریالی قمارباز از آرایشگاه‌های زنانه



مدیر باشگاه بیلباردی که باند سرقت از آرایشگاه‌های زنانه در تهران را تشکیل داده‌بود پس از دستگیری ماجرا را شرح داد.

به گزارش جوان، بهمن سال گذشته بود که به مأموران پلیس پایتخت خبر رسید دو سارق نقاب دار به آرایشگاه زنانه‌ای در یکی از خیابان‌های جنوبی تهران دستبرد زده و پس از سرقت مقدار زیادی طلا و جواهرات از محل گریخته‌اند.

مأموران پلیس وقتی به محل حادثه رسیدند، دریافتند لحظاتی قبل دو مرد ناشناس نقابدار مسلح به سلاح سرد وارد آرایشگاه زنانه می‌شوند و پس از بستن دست و پای زنان داخل آرایشگاه با طناب تمامی طلاها و جواهرات آنها را سرقت می‌کنند.

صاحب آرایشگاه به مأموران پلیس گفت: دو نفر از مشتری‌انم داخل آرایشگاه بودند و من و شاگردم نیز در حال آرایش مشتری دیگری بودیم که ناگهان دو مرد کلاه‌دار که ماسک بهداشتی به صورت و قمه و چاقو در دست داشتند وارد آرایشگاه شدند. با دیدن آنها همه شوکه شدیم و قصد داشتیم با داد و فریاد از همسایه‌ها درخواست کمک کنیم که آنها باقمه‌ها را تهدید به مرگ کردند و بعد هم با طنابی که آورده بودند، دست و پای همه ما را بستند. سپس آنها باسیم‌چین تمامی انگوها و دستبندهای طلای ما را بردند و داخل کیسه‌ای ریختند و از آرایشگاه فرار کردند. پس از فرار سارقان، من به سختی دست و پایم را باز کردم و با اداره پلیس تماس گرفتم. با طرح این شکایت تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی به دستور قاضی علی‌ا‌یرد موسی، باز پرس شعبه پنجم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران وارد عمل شدند.

طرح شکایت‌های مشابه
هزمنان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه مأموران پلیس با چند شکایت مشابه دیگر هم‌روبه‌رو شدند که همگی حکایت از آن داشت سارقان برای اینکه شناسایی نشوند در تاریکی شب و یا کلاه‌وارد آرایشگاه‌های زنانه شده و به همان شیوه قبلی پس از بستن دست و پای صاحب آرایشگاه و مشتریانش

تمامی طلاهای آنها را سرقت کرده‌اند. همچنین بررسی‌های فنی نشان داد دو سارق دو همدست دیگر هم دارند که یکی از آنها مرد جوانی است که داخل خودرو در خیابان منتظر آنها می‌ماند و دیگری زن جوانی است که دقیقی قبل از سرقت به بهانه مشتری وارد آرایشگاه می‌شود و بعد از خارج شدن از آنجا همدستانش برای سرقت از آرایشگاه وارد عمل می‌شوند. مأموران در تحقیقات بعدی دریافتند سارقان با خودروی سرقتی به سرقت می‌روند.

چند روز قبل در حالی که تحقیقات درباره سرقت‌های سریالی سارقان ادامه داشت به کارآگاهان پلیس آگاهی خبر رسید سارقان این بار به آرایشگاه زنانه‌ای در شهرستان اسلامشهر دستبرد زده‌اند. مأموران پلیس این بار در بررسی دوربین‌های مدار بسته موفق شدند یکی از همدستان باند سارقان را به نام اقدس شناسایی و وی را دستگیر کنند. متهم در بازجویی‌ها به سرقت از آرایشگاه‌های زنانه، با همدستی سه مرد جوان به نام‌های جهانگیر، منصور و جمشید اعتراف کرد و مدعی شد سردهسته باند جهانگیر است. با اعتراف متهم، مأموران پلیس سه همدست وی را شناسایی و دستگیر و به اداره پلیس منتقل کردند. صبح دیروز متهمان برای تحقیق به دادسرای ویژه سرقت منتقل شدند و به جرم خود اقرار کردند. متهمان در ادامه برای تحقیقات بیشتر به دستور قاضی ایرد موسی در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفتند.

گفت‌وگو با سردهسته باند جهانگیر چند سال داری؟

۲۷ ساله‌ام. سابقه داری؟

بله، بهر حال در باشگاه افراد زیادی رفت و آمد دارند و گاهی بعضی از مشتریان شرط‌بندی و قماربازی می‌کنند. ما هم شرط‌بندی و قماربازی می‌کردیم که گاهی می‌بختیم و گاهی هم می‌بردم اما قمارباز همیشه بازنده است و به همین خاطر همیشه پول کم می‌آورد.

چهاره هستی؟
باشگاه بیلبارد بزرگی در یکی از شهرهای اطراف تهران دارم و نصاب کولرهای گازی هم هستم.

پس چرا باند سرقت از آرایشگاه‌های زنانه را تشکیل دادی؟
اول به خاطر دوستانم که نیاز شدید مالی داشتند و من مرام اجازه نمی‌داد که دوستانم را انتها بگذارم مخصوصاً که آنها خیلی روی من حساب می‌کردند و بدششان به من گرم بود و واقع من گنده آنها بودم. در مرحله بعدی هم از هیجان سرقت خوشم می‌آمد و در مرحله آخر هم پول خوبی از این راه گیرمان می‌آمد که وسوسه‌شدم.

دوستان مدعی هستند در باشگاه شما قمار بازی می‌کردند؟
بله، بهر حال در باشگاه افراد زیادی رفت و آمد دارند و گاهی بعضی از مشتریان شرط‌بندی و قماربازی می‌کنند. ما هم شرط‌بندی و قماربازی می‌کردیم که گاهی می‌بختیم و گاهی هم می‌بردم اما قمارباز همیشه بازنده است و به همین خاطر همیشه پول کم می‌آورد.

چه شد که تصمیم گرفتید از آرایشگاه‌های زنانه سرقت کنید؟
اول اینکه سرقت از زنان خیلی راحت است و دوم اینکه معمولاً زنان طلاها و جواهرات خود را برای پز دادن همیشه همراه دارند، مخصوصاً وقتی به

اقدس را از کجا می‌شناختی؟
منم، سابقه سرقت ندارم از طرفی هم وضع مالی‌ام خوب است.

چه کاره هستی؟
باشگاه بیلبارد بزرگی در یکی از شهرهای اطراف تهران دارم و نصاب کولرهای گازی هم هستم.

پس چرا باند سرقت از آرایشگاه‌های زنانه را تشکیل دادی؟
اول به خاطر دوستانم که نیاز شدید مالی داشتند و من مرام اجازه نمی‌داد که دوستانم را انتها بگذارم مخصوصاً که آنها خیلی روی من حساب می‌کردند و بدششان به من گرم بود و واقع من گنده آنها بودم. در مرحله بعدی هم از هیجان سرقت خوشم می‌آمد و در مرحله آخر هم پول خوبی از این راه گیرمان می‌آمد که وسوسه‌شدم.

دوستان مدعی هستند در باشگاه شما قمار بازی می‌کردند؟
بله، بهر حال در باشگاه افراد زیادی رفت و آمد دارند و گاهی بعضی از مشتریان شرط‌بندی و قماربازی می‌کنند. ما هم شرط‌بندی و قماربازی می‌کردیم که گاهی می‌بختیم و گاهی هم می‌بردم اما قمارباز همیشه بازنده است و به همین خاطر همیشه پول کم می‌آورد.

چه شد که تصمیم گرفتید از آرایشگاه‌های زنانه سرقت کنید؟
اول اینکه سرقت از زنان خیلی راحت است و دوم اینکه معمولاً زنان طلاها و جواهرات خود را برای پز دادن همیشه همراه دارند، مخصوصاً وقتی به

متهم: قصد قتل نداشتم

سعی کردیم او را ببطاش را با آن مرد قطع کند اما بی‌فایده بود تا اینکه فهمیدیم درخواست طلاق داده و او مرد برای مادرم وکیل گرفته‌است.»

بعد از این توضیحات و ادعای خودکشی از سوی خانواده زن جوان، پزشکی قانونی در گزارشی اعلام کرد آن زن بر اثر انسداد مجاری تنفسی فوت کرده‌است. بنابراین بارد شدن فرضیه خودکشی، پرونده با موضوع قتل عمد در دستور کار پلیس قرار گرفت و خانواده مقتول مورد تحقیق قرار گرفتند تا اینکه پدر مهرآه به قتل دخترش اعتراف کرد. او در بازجویی‌ها گفت: «وقتی علت درخواست طلاق دخترم را فهمیدم سعی کردم او را از تصمیمش منصرف کنم تا زندگی‌اش به‌هم نخورد اما او قبول نمی‌کرد و می‌گفت شوهرش را دوست ندارد. این گذشت تا اینکه روزی عادل تماس گرفت و گفت «در برابر طلاق دخترت مقاومت نکن و من او را دوست دارم.» این شد که به خانه مهرآه رفتم و گفتم به آن مرد اعتمادت کن. او اگر مرد خوبی بود سراغ زن من‌آهل نمی‌آمد و زندگی‌ات را بهم نمی‌زد اما دخترم گوشش به این حرف‌ها بدهکار نبود این شد که عصبانی شدم و او را کشتیم.»

با توضیحات مرد سالخورده تحقیقات در این زمینه ادامه داشت که این دختر اعلام گذشت از سوی اولیای دم مشخص شد، مرد سالخورده ساعت وقوع حادثه در خانه‌اش بوده و برادر مقتول به محل حادثه رفته‌است.



متهمان: آدم‌ربایی را قبول نداریم

دو مرد جوانی که متهم هستند در پوشش مسافر کشی شهرستان را ربه و اموالشان را سرقت کرده بودند در جلسه محاکمه آدم‌ربایی را انکار کردند.

به گزارش جوان، سال گذشته زن جوانی با مراجعه به اداره پلیس از دو مرد جوان به اتهام سرقت مسلحانه در پوشش مسافربری شکایت کرد و گفت: «پرستار هستم، روز حادثه به عنوان مسافر سوار یک خودروی پراید شدم. در صندلی عقب مرد جوانی نشسته‌بود و من هم در صندلی جلو نشستم. راننده بعد از طی مسافتی داخل یک کوچه فرعی پیچید. وقتی اعتراض کرده‌مرد دو مرد جوان به رویم چاقو کشیدند، سپس یکی از آنها با لگد به من زد که زیر صندلی ماشین اقدام. سارقان بعد از سرقت تلفن همراه و لپ‌تاپم را بیرون ماشین پرتاب کردند و رفتند.»

با طرح این شکایت و شکایت‌های مشابه، تحقیقات برای شناسایی سارقان آغاز شد تا اینکه هر دو متهم به نامه‌ای امید و باقر بازداشت شدند. دو مرد جوان سعی داشتند جرمشان را انکار کنند تا اینکه در مواجهه حضوری با یکی از متهمان و کشف اموال سرقتی در منزلشان هر دو به سرقت مسلحانه اعتراف کردند. با اقرار متهمان پرونده صبح دیروز با حضور سه شاکی در شعبه دو مرد دادگاه کیفری یک استان تهران رسیدگی شد. ابتدای جلسه یکی از شاکیان در جایگاه قرار گرفت و در طرح شکایتش گفت: «کارمند هستم. آن روز مبلغ ۸ میلیون تومان پول نقد همراهم بود که در یکی از خیابان‌ها به عنوان مسافر سوار خودروی متهمان شدم. بیماری اسم داشتم به همین دلیل تا اینکه هر دو متهم به نامه‌ای امید و باقر بازداشت شدند. دو مرد همان لحظه چاقو را در پهلویم گذاشت. متهم دیگر روی صندلی عقب نشسته بود که چاقو را روی کتفم گذاشت و فشار داد. سپس هر دو مرا تهدید به قتل کردند.» شاکی ادامه داد: «متهمان گوشی موبایل و همه اموال‌ها به همراه لباس‌ها و کیفم که مارک بود و سپس ۸ میلیون تومان پول نقد و یک و نیم میلیون تومانی را که در کارت عابر بانکم بود، سرقت کردند و مرا پای ورهنه و لباس پاره در اتوبان چمران از ماشین بیرون پرتاب کردند. آنها حتی مرا تهدید به تجاوز هم کردند.»

در ادامه دو متهم به اتهام سرقت مسلحانه و آدم‌ربایی، در جایگاه قرار گرفتند و با انکار آدم‌ربایی و قبول تنها یک سرقت از خودشان دفاع کردند. در ادامه وکیل یکی از آنها گفت: «پدر امید کودک ۷ ساله و موکلم را از کودکی تانوجوانی به شدت تنگ می‌زد. او حاصل خانواده‌ای فقیر است و به خاطر شرایط سخت زندگی مرتکب جرم شده‌است.»

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.



شاگرد مغازه سارق طلاها بود

شاگرد مغازه کارگاه طلاسازی که بیش از ۱۰۰ میلیون تومان طلا سرقت کرده‌بود در دام مأموران پلیس گرفتار شد. به گزارش جوان، ۲۲ خردادماه مرد طلاسازی به اداره پلیس رفت و از سرقت مقداری از طلاهای کارگاه طلاسازی‌اش شکایت کرد. وی گفت: کار کارگاه طلاسازی‌ام در حوالی بازار است و تعدادی هم شاگرد دارم. چند روزی است متوجه شده‌ام هر روز مقدار قابل توجهی طلاهای کارگاهم سرقت می‌شود و به همین دلیل به اداره پلیس آمدم که سارق طلاهایم را شناسایی و دستگیر کنید. تحقیقات مأموران پلیس نشان داد عامل سرقت از کارگاه طلافروشی داخلی است و بنابراین مأموران پلیس تحقیقات از شاگردان طلافروشی را آغاز کردند که در نهایت به یکی از کارگران به نام وحید مظنون شدند و وی را بازداشت کردند.

متهم در بازجویی‌ها ابتدا منکر جرم خود شد، اما وقتی با مدارک و دلایل روبه‌رو شد به سرقت از کارگاه طلافروشی اعتراف کرد و گفت: مدت ۲۵ روز است که از کارگاه طلافروشی هر روز به مقدار کمی سرقت می‌کنم و طلاهای سرقتی را هم در خانه‌ام حوالی جوادیه نگهداری می‌کنم. سرهنگ دوستم جلیلیان، سر کلاتر هتمم پایتخت با اعلام این خبر گفت: پس از اعتراف متهم مأموران از خانه وی ۱۳۴ گرم و ۸۰۰ سوسوم طلا سرقتی به ارزش ۱۰۰ میلیون تومان کشف کردند. متهم پس از تحقیقات تکمیلی در اختیار مراجع قضایی قرار گرفت.

آگهی مفقودی
برگ سبزی، وضعیت (برگ سبزی) خودرو سواری - JAC J5MT به شماره پلاک ایران ۱۵ - ۷۴۴ ی ۲۵ به شماره موتور 124K0042182 و شماره شناسی NA-NA484FTAG015866 HFC4GB203CF3452607 و شماره شناسی KNG7218FB126587 NATGATL4H1012895 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. تبریز

آگهی مفقودی
برگ سبزی، برگ کمپانی و برگ پنجساق خودرو سواری سمند تیپ LX XU7 CNG مدل ۱۳۹۱ رنگ سفید روغنی شماره پلاک ایران ۶۸ - ۹۳۹ ص ۶۵ به شماره موتور 124K0042182 و شماره شناسی NAACA1CB6CF405310 متعلق آقای سعید پاکدل نسب با کد ملی ۲۲۲۴۲۰۳۲۲۴۲۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. ابرز

آگهی مفقودی
برگ اعلام وضعیت (برگ سبزی) خودرو سواری سیستم CHERY مدل ۱۳۹۶ به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ایران ۳۵ - ۸۷۸ ص ۵۴ به شماره موتور MVM484FTAG015866 و شماره شناسی MVM484FTAG015866 و شماره شناسی NATGATL4H1012895 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. تبریز

آگهی مفقودی
برگ سبزی خودرو سواری سیستم چانگان تیپ CS35_AT مدل ۱۳۹۷ به رنگ سفید روغنی شماره پلاک ایران ۶۸ - ۲۷۶ ی ۲۹ به شماره موتور 163205 H9AC163205 و شماره شناسی NAS921200J5712121 متعلق آقای صید مراد فرامرزی با کد ملی ۴۹۹۹۷۳۵۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. ابرز

آگهی مفقودی
بدینوسیله اعلام می‌گردد پروانه بهداشتی ساخت با شماره ۲۱/۲۱۴۷۸ به تاریخ ۱۳۹۸/۷/۱ برای فرآورده ماکارونی با نام تجاری آلتین ماکارون برای شرکت درنا ماکارون تبریز مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. تبریز

آگهی مفقودی
برگ سبزی خودرو سواری وانت پیکان وانت مدل ۱۳۸۸ به رنگ سفید - روغنی به شماره پلاک ایران ۵۹ - ۱۱۲ ج ۲۲ به شماره موتور ۸۱۴۸۰۰۸۱۴۸ و شماره شناسی NAAA36AA39G842971 متعلق آقای سلمان طیبی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. گلستان

فرم اشتراک روزنامه جوان

۱. مبلغ اشتراک را براساس جدول راهنمای مندرج به حساب سبیا ۰۰۷۰۲۳۰۵۹۵۱۰ بانک ملی شعبه میدان فردوسی به نام شرکت پیام آوران نشر روز واریز نمائید.

۲. فرم پر شده اشتراک را به همراه اصل فیش بانکی به وسیله پست سفارشی به دفتر امور مشترکین روزنامه ارسال نمائید.

۳. ارسال نشریه پس از رسیدن فیش و فرم اشتراک از اول و شانزدهم هر ماه آغاز می‌شود.

۴. لطفاً کپی رسید بانکی را تا پایان مدت اشتراک نزد نگه دارید.

۵. در صورت تغییر نشانی در اسرع وقت امور مشترکین را مطلع فرمائید.

نام: _____ نام و نام خانوادگی: _____ تلفن تماس: _____

نام شرکت یا موسسه: _____ کدپستی الزامی است: _____

نشانی: _____

هزینه اشتراک روزنامه (مبالغ به ریال) می‌باشد.

سه ماهه	۶ ماهه	نه ماهه	یکساله
۸۲۵/۰۰۰	۱/۷۵۰/۰۰۰	۲/۴۷۵/۰۰۰	۳/۳۰۰/۰۰۰

توضیح: اینثار گران (خانواده معظم شهید، جانبازان عزیز و آزادگان سرفراز) از تخفیف ویژه ۲۰٪ بهره‌مند می‌شوند.

آدرس: خیابان میرزای شیرازی، خیابان پانزدهم، پلاک ۴۴، طبقه دوم
تلفن: ۸۸۳۴۱۶۵۴ شماره: ۸۸۳۴۱۶۵۰